



Typology of International Human Rights Obligations in Contemporary Legal Order

Mir Sajjad Seyyed Mousavi*¹

Received: 2025/09/01

Accepted: 2025/12/08

Abstract

Introduction: distinction between two concepts of to be right and to have right which is obtained through scientific studies of political philosophers and is called theory of right has formed the basis of fundamental human rights and constitutes the distinctive feature of the modern legal and fundamental system. The purpose of this article is to examine international human rights obligations and explain the concepts and examples based on, in contemporary legal order.

Method: This article, by research to existing of documents and evidence using method of content analysis, while explaining concepts based on rights and theories of philosophy authors of law, has attempted to typify international human rights obligations and formulate them in context of a contemporary legal order.

Results: The conceptual and substantive distinction of human rights obligations generally follows two important and prominent typologies. first is distinction of international obligations in form of obligations to means and results and second is distinction of obligations in the form of obligations to respect, protect, and fulfil. Also, the third type of division of obligations can be evaluated into general, special, international, and core.

Conclusion: Despite temporal and spatial claims of human rights rules, significant part of human rights norms has situational aspect and constitutes the legal order related to it. We cannot ignore the role and impact of these agreements in establishing and formulating international norms and standards and consequently their role in the international public order.

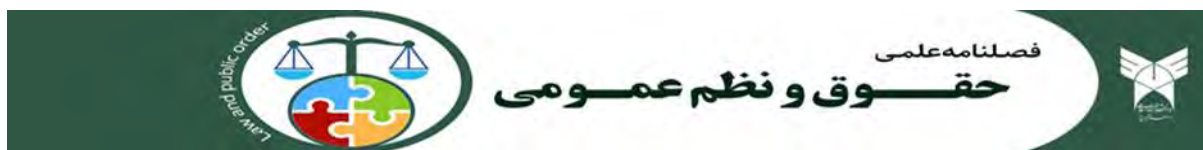
Keywords: International obligations, human rights, legal order, philosophy of law.



How to cite this article: Seyyed Mousavi, M.S. (2025). Typology of International Human Rights Obligations in Contemporary Legal Order. *Law and Public Order*, 1(1), 89-103. (In Persian).

¹ Associate Professor, Department of Law, Faculty of Basic Sciences Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

*Corresponding Author: mosavi_saiied@yahoo.com



گونه‌شناسی تعهدات بین‌المللی حقوق بشر در پرتو نظم حقوقی معاصر

میرسجاد سیدموسوی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

چکیده:

مقدمه: تفکیک میان دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن»، که از خلال آثار علمی حقوق دانان و فلاسفه سیاسی بدست آمده و از مضامین «تئوری حق» خوانده می‌شود، پایه حقوق بنیادین انسانها را شکل داده و وجه‌مميزه نظام حقوقی و اساسی مدرن را تشکیل می‌دهد. هدف از تدوین این مقاله بررسی تعهدات بین‌المللی حقوق بشر و تبیین مفاهیم و مصادیق مبتنی بر آن در نظم حقوقی معاصر می‌باشد.

روش: این مقاله با بررسی اسناد و مدارک و مستندات موجود و به روش تحلیل محتوا، ضمن تبیین مفاهیم مبتنی برحق و براساس نظریات نویسندگان فلسفه حق، تلاش کرده‌است، تعهدات بین‌المللی حقوق بشری را گونه‌شناسی نموده و در قالب نظم حقوقی معاصر تدوین نماید.

نتایج: تفکیک مفهومی و محتوایی تعهدات حقوق بشر بطور کلی از دونوع گونه‌شناسی مهم و برجسته تبعیت می‌نماید. نخست تفکیک تعهدات بین‌المللی در قالب تعهدبه‌وسیله و تعهدبه‌نتیجه و دوم تفکیک تعهدات در قالب تعهد به احترام، تعهد به رعایت و تعهد به ایفاء می‌باشد. همچنین، نوع سوم تقسیم تعهدات به عام، خاص، بین‌المللی و محوری است.

نتیجه گیری: به‌رغم ادعاهای فرا زمانی و فرامکانی قواعد حقوق بشری، بخش قابل توجهی از هنجارهای حقوق بشر جنبه‌ای وضعی داشته و نظم حقوقی مرتبط با آن را شکل می‌دهند و درحقیقت، محصول توافقات بین‌المللی کشورها می‌باشد که هرگز نمی‌توان از نقش و تأثیر این توافقات در وضع و تدوین نرم‌ها و استانداردهای بین‌المللی و به تبع آن نقش آنها بر نظم عمومی بین‌المللی غافل بود.

واژه‌های کلیدی: تعهدات بین‌المللی، حقوق بشر، نظم حقوقی، فلسفه حق.



استناد: سیدموسوی، میرسجاد (۱۴۰۴). گونه‌شناسی تعهدات بین‌المللی حقوق بشر در پرتو نظم حقوقی معاصر. *حقوق و نظم عمومی*، (۱)، ۸۹-۱۰۳

^۱ دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
Mosavi_saiad@yahoo.com

مقدمه

حق در معنای مضیق مورد نظر این پژوهش، ادعایی است که از یک سو مطالبات افراد انسانی را در برمی گیرد و از سوی دیگر تکالیف و تعهداتی را برعهده دولتها می گذارد، حال سوال اساسی این است که ماهیت این تکالیف و تعهدات از چه چارچوب مفهومی و محتوایی برخوردار بوده و از کدام گونه شناسی تبعیت می کند و در صورت نقض این تعهدات، چه مسئولیتی بر دولتها بار و بر نظم عمومی تاثیر می گذارد؟

از یک سو ماهیت پیمان ها و معاهدات حقوق بشری، بر خلاف معاهدات متعارف حقوق بین المللی، طبیعتی حمایت گرایانه داشته و صرفاً مبادله توافقات متقابل منافع قلمداد نمی شود. به گونه ای که این ماهیت حمایتی، چارچوب تحلیلی متفاوتی را برای اینگونه معاهدات، در جهت تضمین حقوق و آزادیهای بنیادین بشری می طلبد. به عبارت دیگر، علیرغم معاهدات بین المللی، معاهدات حقوق بشری، ماهیت داد و ستدی و یا مبادله ای ندارند. بنابراین پیشنهاد برخوردی متفاوت با معاهدات بین المللی متعارف، نسبت به معاهدات حقوق بشری در زمینه اصول حاکم بر اعمال، اجرا، الحاق و حق شرط کشورها و سایر جنبه های مختلف آن گردیده است. (کراون، ۲۰۰۰: ۴۹۱) به عنوان نمونه و به تصریح کمیته حقوق بشر، از آنجا که معاهدات حقوق بشری ماهیت مبادله بین الدولی ندارند، نمی توانند مشمول «اصل عمل متقابل بین کشورها»^۱ تلقی گردند. (سی سی پی آر، ۲۰۲۱: ۱۷)

از سوی دیگر، تلازم میان نظم حقوقی و تعهدات، در تحلیل حق های بشری، این نتیجه منطقی را به دنبال خواهد داشت که حق و تعهد دو روی یک سکه ارزیابی می شود. به طوری که اگر به حق های مربوطه از منظر دارندگان این حقوق نگریسته شود، مفهومی حق گونه خواهند یافت و چنانچه از منظر متعهد و مکلف به تامین و تضمین آنها نظر شود، ماهیتی تکلیف گونه و الزام آور به خود می گیرند. (قاری سید فاطمی، ۱۴۰۲: ۵۳) در این میان، تفکیک مفهومی و محتوایی تعهدات دولت ها از دو نوع گونه شناسی مهم و برجسته تبعیت می نماید. نخست تفکیک تعهدات دولتها در قالب تعهدات دو وجهی، به اعتبار تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه و دوم تفکیک تعهدات دولتها در قالب تعهدات سه وجهی به اعتبار تعهد به احترام، تعهد به رعایت و تعهد به ایفاء، که نقش برجسته ای در بررسی و تجزیه و تحلیل تعهدات دولتها دارد.

در این میان، نباید از تقسیم بندی سومی تحت عنوان تعهدات عام، تعهدات خاص و تعهدات محوری، ویژه ادبیات به کار رفته توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل غافل ماند. در نهایت تحلیل محتوای تعهدات دولتها، هم از جهت شاخص های عمومی و هم تعهدات دولتها نسبت به گروه های خاص، در کنار تبیین موارد نقض تعهدات دولتها در موارد خاص مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. هدف غایی از تدوین این مقاله بررسی تعهدات بین المللی حقوق بشر و تبیین مفاهیم و مصادیق مبتنی بر حق در نظم حقوقی معاصر می باشد.

^۱ . The Principle of inter-states reciprocity .

گفتار اول: مبانی نظری

به تحقیق «حق»^۱، یکی از مهمترین اجزاء مقوم «اخلاق»^۲، «حقوق»^۳ و «سیاست»^۴ در دنیای معاصر به شمار می‌آید و یکی از مهمترین نکات در تاریخ پیدایش مفهوم حق، تفکیکی است که میان دو مفهوم «حق بودن»^۵ و «حق داشتن»^۶ پدیدار گشته است. حق به معنای اول کلمه، که در مقابل «باطل و غلط» قرار می‌گیرد، در عرصه های اندیشه، به ویژه افکار سیاسی و اخلاقی حضور داشته است. در چنین معنایی، مفهوم حق به معنای «راست» و «صادق» بکار گرفته می‌شود و بنابراین زمانی که امری «حق» خوانده می‌شود، بدین معنی است که آن امر «راست» و «صادق» است و یا «غلط» و «باطل» نیست. در واقع «حق» در چنین معنایی در حوزه مربوط به ارزش، از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و حق بودن در معنای ارزشی آن، به معنای «خوب بودن» قرار می‌گیرد. (راسخ، ۱۴۰۴: ۱۸۴)

اما حق در معنای دوم کلمه، یعنی «حق داشتن» که در مقابل «تکلیف» قرار می‌گیرد، محصول اندیشه جدیدی است که به دنبال تلاش های نظری و کوشش های عملی آزادخواهانه و برابری طلبانه انسان، در دوران معاصر تولد یافته است. چنین تفکیکی در مفهوم حق، مسئله را در پیوندی عمیق با تفکیک میان «ارزش یا خوب»^۷ و «حق هنجاری» قرار می‌دهد. بدینسان در معنای اول و زمانی که از عملی به قید حق سخن به میان می‌آید مراد این است که از منظر اخلاقی و براساس اصول محتوایی یک نظام اخلاقی خاص، موضوع مورد تأیید و قبول قرار می‌گیرد. ولی مفهوم «حق» در ترکیب «حق داشتن» با این معنی متفاوت است به طوری که در مفهوم اخیر «حق داشتن» ضرورتاً به معنای انجام عملی «خوب» و «اخلاقی» تلقی نمی‌شود، بلکه به صرف انتخاب و تصمیم فرد بر انجام عملی که از حمایت قانونی و ضمانت دستگاه قضائی برخوردار باشد، تحقق می‌یابد. (راسخ، ۱۴۰۴: ۱۸۶)

بنابراین در تحلیلی مفهومی، زمانی که از «حق داشتن» سخن می‌رانیم، بدان معنی است که دارنده حق را در وضعیتی ویژه قرار می‌دهیم، به طوری که وقتی قانون، فردی را محق می‌شناسد، بدان معنی است که نظام حقوقی، آن فرد را در موقعیتی ویژه قرار داده است. (قاری سید فاطمی، ۱۴۰۲: ۴۱) تامل در آثار نویسندگان و فلاسفه سیاسی و ریشه های معرفتی گفتمان حقوق بشر، به خوبی نشان می‌دهد که بسیاری از مخالفت ها در عدم تفکیک دقیق میان این دو مفهوم ریشه دارد و گویا محوری ترین ایده لیبرالیسم، در عرصه اخلاق اجتماعی و گفتمان حقوق بشر، تفکیک میان دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» می‌باشد. به طوری که ایده «حق بر خطا بودن»^۸ به نیکی نمایانگر اهمیت تفکیک میان این دو مفهوم است که توسط فلاسفه سیاسی ابراز و مبنای اخلاقی رواداری و تسامح شمرده می‌شود. (قاری سید فاطمی، ۱۴۰۲: ۴۲) به رغم مشکلات و پیچیدگی های مربوط به تفکیک میان دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» آنچه که از خلال آثار علمی نویسندگان فلسفه سیاسی بدست می‌آید و به تئوری حق و حقوق بنیادین انسانها شهرت دارد مبتنی بر مفهوم حق، به معنای دوم آن یعنی «حق داشتن» بوده و وجه ممیزه نظام حقوقی و اساسی مدرن قرار گرفته است.

1. Right

2. Morality

3. Law

4. Politics

5. to be right

6. to have right

7. Good and Right

8. Right to be wrong

الف) طبقه بندی حق ها

مفهوم «حق داشتن» در مناسبات و روابط مختلف و یا به تعبیر دیگر در گزاره های مختلف «حق مدار»، معانی متفاوتی می یابد، به طوری که درخصوص تحلیل مفهوم حق، به معنای «حق داشتن» شاید مناسب ترین نقطه آغازین، تفکیکی است که توسط «اوزلی آن هوفیلد» حقوق دان آمریکائی ارائه گردیده است. از دیدگاه این فیلسوف حقوق، واژه حق می تواند بیانگر چهارگونه رابطه حقوقی باشد به عبارت دیگر واژه حق می تواند در چهار قلمرو مختلف حقوق یعنی «حق - ادعا»^۱، «حق - آزادی»^۲، «حق - قدرت»^۳ و «حق - مصونیت»^۴ مورد استفاده قرار گیرد. (هوفیلد، ۲۰۲۱: ۴۳)

اصطلاح «حق - ادعا» یا «حق - مطالبه»، حق به معنای مضیق کلمه است که لازمه آن حق شخص و وظیفه دیگری و نقیض آن حق نداشتن شخص است. ماهیت این نوع از حق، مطالبه و ادعای برحق است که به طور پیوسته در پیوند و هماهنگی با یک وظیفه متقابل قرار می گیرد. «حق - آزادی» و یا «حق - امتیاز»، حقی است که لازمه آن حق نداشتن طرف دیگر و نقیض آن هم وظیفه و تعهد شخص است، به عبارت دیگر وقتی شخصی «حق - آزادی» دارد بدان معنی است که اولاً وظیفه و تعهدی ندارد و ثانیاً دیگران چنین حقی را بر او ندارند. «حق - قدرت» نیز مستلزم مسئولیت حقوقی دیگری در برابر شخص است و نقیض آن هم ناتوانی ذیحق نسبت به آن می باشد. به عبارت دیگر زمانی که فردی «حق - قدرت» دارد بدین معنی است که او می تواند موضوع آن حق را اعمال نماید و حق دیگران نیز ممکن است متأثر از اعمال حق او باشد. و نهایتاً «حق - مصونیت» عبارت از اینکه ذیحق در برابر اعمال دیگران مورد حمایت قرار گیرد. در واقع لازمه چنین حقی ناتوانی طرف مقابل و نقیض آن مسئولیت شخص مزبور می باشد. بنابراین داشتن چنین حقی بدان معنی است که اولاً ذیحق مسئولیت ندارد و ثانیاً دیگران نیز نمی توانند در برابر اعمال این حق متعرض او گردند. (ولمن، ۱۳۹۳: ۲۱۶)

ب) نظریه حق ها و آزادی ها

از طرف دیگر و علاوه بر معانی چهارگانه مربوط به حق، تحلیل مفهومی متفاوتی از حق به شیوه ای دیگر مورد توجه و مباحثه نظری متفکرین و فلاسفه حق، قرار گرفته است که در آن، خاستگاه فکری و عناصر مقوم مفهوم حق، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته و موید تعریفی می باشد که بتواند تمامی مفاهیم چهارگانه یاد شده را دربرگیرد. بدین اعتبار و در پاسخگوئی به این نیاز علمی، به تدریج دو تئوری رقیب، از سوی نظریه پردازان پیشنهاد گردیده است که به نظریه «انتخاب یا اعمال اراده»^۵ و نظریه «سود و منفعت»^۶ شهرت یافته است. براساس نظریه اول، حق به معنای اراده تضمین شده است که جزء مقوم و گوهر حق، وجود اراده آزادی است که می تواند بر اراده های دیگر قید زند و آنها را مقید سازد. حال آنکه براساس نظریه دوم، حق، منفعت تضمین شده است که معنای اخیر در راستای حفظ و حمایت از سود و منفعت طراحی می گردد و با هدف تضمین یک منفعت بنیادین، برعهده دیگران تکلیف می گذارد. (راسخ و سید فاطمی، ۱۳۹۳: ۲۴)

شایان توجه است که با عنایت به ماهیت حق های مندرج در اسناد حقوق بشری که اساساً حق های فردی که قابل فروکاستن به حق های رفاهی اند. بیشترین قرابت و هماهنگی را با «حق - ادعاها» (والدرون، ۱۹۹۵: ۸) دارند. از سوی دیگر و برخلاف تبیین انتخاب مدارانه مفهوم حق که چهارچوب تحلیلی مناسبی برای توجیه و اعمال حق های مدنی و سیاسی فردی بدست می دهد. تبیین فایده گرایانه از مفهوم حق، برای تحلیل حق های اقتصادی، اجتماعی مناسب تر به نظر می رسد. (قاری سید

^۱ . Claim-Right

^۲ . Liberty-Right

^۳ . Power-Right

^۴ . Immunity-Right

^۵ . Choice Theory

^۶ . Interest / Benefit Theory

فاطمی، ۵۲:۱۴۰۲) که در تحلیل حق مدار به عنوان یکی از حق های مدنی و سیاسی و حق های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مورد بهره برداری قرار می گیرد و پایه های نظری مطالبات افراد و تعهدات دولتها را در جهت تحقق و تضمین این حق های بشری پی می افکند.

گفتار دوم: تحلیل مفهوم تعهدات بین المللی

صاحب نظران و اندیشمندان علم حقوق، برای تجزیه و تحلیل تعهدات دولتها و بسط و توسعه نظریات و اندیشه های حقوقی، دست به طبقه بندی های خاص در زمینه تعهدات نموده اند، تا برخی تعهدات خاص دولتها درخصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد مطالعه قرار دهند. از مشهورترین دسته بندی ها و تفکیک تعهدات دولتها، طبقه بندی آن به تعهدات دو وجهی و تعهدات سه وجهی است. تعهدات دووجهی مشتمل بر تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه بوده و تعهدات سه وجهی در برگیرنده تعهد به احترام، حمایت و ایفاء می باشد.

بند اول: مفهوم تعهد

تعهد^۱ به معنای برعهده گرفتن، عهده دار شدن، مکلف گردیدن و ملتزم شدن به انجام کار یا عملی معین است. (لاشه، ۵۱:۷۷:۱۳۹۴) در اصطلاح حقوق، تعهد عبارت است از یک رابطه حقوقی که به موجب آن شخص یا اشخاص معینی، نظر به اقتضاء عقد یا شبه عقد یا جرم یا شبه جرم و یا به حکم قانون ملزم به دادن چیزی یا مکلف به فعل یا ترک فعل معینی به نفع شخص یا اشخاص معین می شوند. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۴:۱۶۶) همچنین التزام مترادف تعهد و یا تعهد کردن است که اولی اسم مصدر و دومی عبارت مصدری است ولی الزام در لغت به معنی اجبار بوده و معنی اصطلاحی در حقوق ندارد و اشتباهاً و بصورت متعارف بجای التزام و تعهد و معادل کلمه obligation بکار برده می شود. (همان، ص ۷۶) بنابراین در متن این پژوهش، بیشتر از اصطلاح حقوقی «تعهدات» به جای «الزامات» بهره گرفته شده است.

از سوی دیگر، حقوق بشر در عصر حاضر، نظامی مبتنی بر هنجارها به شمار می آید که متضمن حق ها و آزادی هایی است که افراد انسان در برابر دولت ها از آن برخوردارند. کارکرد اصیل و برجسته این نظام، تهدید قدرت دولت در برابر افراد و تضمین حقوق و آزادی های افراد در برابر دولت است. (هاشمی، ۸۷:۱۴۰۲) همچنین حق های بشری موضوع حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ارتباط با دولت ها ماهیتی حق - ادعائی داشته و دولت ها را متعهد به تضمین حق های مزبور به نفع افراد می نماید. بنابراین فضای غالب در گفتمان حقوق بشر، فضای تضمین حق های افراد در برابر دولت است. فضائی که افراد انسانی را به مطالبه حق های خویش تشویق و دولت را به تضمین و رعایت آن متعهد می سازد. از این روست که گفتمان حاکم بر اسناد بین المللی حقوق بشر در ارتباط با دولت ها تعهدمدار و درخصوص افراد انسانی حق محور است. (قاری سید فاطمی، ۵۳:۱۴۰۲)

بند دوم: تحلیل مفهوم تعهد

براساس نظریه کمیسیون حقوق بین الملل «هر تعهد بین المللی هدف، یا می توان گفت نتیجه ای دارد. در مقابل، هر تعهد بین المللی، حتی اگر از نوع موسوم به نتیجه باشد از دولت متعهد، جریان خاصی از اقدام را می طلبد. (آر آی ال سی، ۸:۱۹۷۷) از طرف دیگر تفکیک هر یک از تعهدات سه گانه دولتها هر حق بشری را دربرمی گیرد. فرض اساسی چنین است که حقوق بشر به صورت تلویحی دولتها را متعهد به احترام، حمایت و اجرای حق های بشری می سازد. (الد، ۲۳:۱۹۸۷) تعهد به احترام هر چند ذاتاً تعهدی سلبی است اما تعهد به حمایت و تعهد به اجرا تعهداتی ایجابی و مثبت هستند که یا از افراد علیه برخی اقدامات دیگران

¹ obligation

حمایت می کنند یا خدمات مشخصی فراهم می سازند یا شرایط آن را تسهیل می نمایند. (همان، ۲۳) بدینسان چنین تفکیکی نسبت به اوصاف مختلف حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تعهدات حقوق بشر می تواند به شیوه موفقیت آمیزی عمل نموده و محتوای هنجارین آنها را روشن سازد.

بند سوم : ماهیت تعهدات حقوق بشری

برجسته ترین ویژگی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان سند تضمین کننده حقوق رفاهی، ماهیت تعهداتی است که دولت ها درخصوص اجرای حق ها به عهده گرفته اند. برخلاف سایر اسناد حقوق بشری، در این معاهده، دولت ها ملزم نشده اند فوراً این حق ها را تضمین نمایند، بلکه می توانند آنها را به مرور زمان و بسته به در اختیار بودن منابع ضروری به اجرا درآورند. با آن که عبارات بند ۱ ماده ۲ میثاق، غالباً صاحب نظران را بر آن داشته است تا خود حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دارای «ماهیت تدریجی» بدانند، ولی فرمول پذیرفته شده غیرقابل عدول نمی باشد. چرا که، تحقق کامل برخی از حق ها، در اختیار بودن منابع اقتصادی کافی را مفروض می گیرد، ولی کافی است، به منشور اجتماعی اروپا نظری بیاندازیم تا راه حل کاملاً متفاوتی برای این مسئله بیابیم. از همین منظر، قصور بسیاری از دولت ها در اجرای کامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را اغلب می توان به طور روشن تر ناشی از فقدان اراده سیاسی دانست تا مسئله مربوط به کمیابی منابع. (کریون، ۱۳۸۷: ۱۵۰) بدینسان عدم باور و اعتقاد قلبی مدیریت ارشد و حاکمیت سیاسی در ایفاء تعهدات بین المللی را می توان عامل بسیار مهم و موثری در جهت عدم تحقق اهداف و رسالتهای مربوط به حق های رفاهی به شمار آورد.

برای درک تفاوت میان ماهیت معاهدات حقوق بشری با معاهدات متعارف بین المللی ناگزیر از تفکیک نظریات مکاتب حقوق فطری و پوزیتیویستی خواهیم بود. طرفداران حقوق فطری، حق های بشری را قواعدی ازلی، ابدی، فرازمانی، فرامکانی و فرااراده های انسان و قانونگذاران قلمداد می نمایند. به طوری که برای انسان و قانونگذار نقشی در تدوین آن قائل نمی شوند. (بیکس، ۲۰۱۰: ۷۹) به این ترتیب نقشی که برای معاهدات بین المللی براساس این رویکرد در قبال استانداردهای حقوق بشری می توان ادعا نمود چیزی بیش از نقش کشفی و اعلامی نمی تواند باشد.

با این وجود نمی توان نقش و تاثیر کشورها را در توسعه و تثبیت استانداردهای بین المللی حقوق بشر که از طریق طراحی و تدوین و تصویب و اجرای معاهدات بین المللی صورت می گیرد نادیده گرفت. در واقع بخش های مهمی از استانداردهای بین المللی حقوق بشر، بخصوص در ارتباط با هنجارهای موسوم به نسل دوم و سوم و حتی نسل چهارم حقوق بشر، مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق جمعی و همبستگی، دستاورد و نتیجه توافقات میان کشورها در طراحی و تدوین این اصول و نرم های بین المللی می باشد. که طرفداران مکاتب پوزیتیویستی از آن حمایت می کنند (قاری سید فاطمی، ۲۰۰۳). بدینسان نتیجه می شود که به رغم ادعاهای فرازمانی و فرامکانی قواعد حقوق بشر، بخش قابل توجهی از هنجارهای حقوق بشری جنبه ای وضعی داشته و در حقیقت محصول توافقات بین المللی کشورها می باشد و هرگز نمی توان از نقش و تاثیر این توافقات در وضع و تدوین نرم ها و استانداردهای بین المللی غافل بود.

بند چهارم : تحلیل تعهدات میثاق های حقوق بشری

به حکایت اسناد و مدارک بین المللی و مطابق ادبیات رایج در معاهدات بین المللی حقوق بشر، تفاوتی ماهوی میان حق های مندرج در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق مدنی و سیاسی مشاهده می شود به طوری که ماهیت حق های اقتصادی، اجتماعی به گونه ای است که دخالت مثبت دولت در تهیه و تدارک امکانات مادی را متبادر به ذهن می سازد، زیرا بعضاً دولت با محدودیت های منابع و امکانات مواجه است به صورتی که تحقق کامل اینگونه حق ها را مشکل می سازد، ولی ماهیت حق های مدنی و سیاسی به گونه ای است که تحقق آنها با عدم مداخله غیرموجه دولت امکان پذیر می باشد به این ترتیب مقید ساختن آنها

به قید «امکانات موجود» ناموجه و غیرمنطقی است. (قاری سید فاطمی، ۲۰۰۳) بنابراین، تعهد دولت‌ها در قبال این دسته از حق‌های منفی، تعهدی سلبی و عدمی است به طوری که تعهد به عدم مداخله دولت واضح و کافی بوده و دیگر نیازی به اثبات توانائی یا وجود لوازم و امکانات موجود ضروری به نظر نمی‌رسد.

این رویکرد، نه تنها چهارچوب تحلیلی دقیقی برای فهم روشن تر تعهدات دولت‌ها در زمینه حقوق بشر فراهم می‌آورد، بلکه برای مقابله با برخی مفروضات سنتی که قاطعانه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از حقوق مدنی و سیاسی متمایز می‌سازد نیز به کار می‌آید. (بوسیلت، ۲۰۰۹) از آنجا که تعهدات به احترام، حمایت و ایفاء کم و بیش در هر حق بشری یافت می‌شود، بنابراین امکان سخن گفتن از صرف «اثباتی» بودن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود نخواهد داشت، همان‌طور که نمی‌توان حقوق مدنی و سیاسی را فقط حق‌های «سلبی» دانست.

به این ترتیب حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مانند حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها را به خودداری از اعمالی ملزم می‌کند. (ای اس سی آر، ۱۹۹۵) به عنوان مثال، دولت‌ها متعهدند که آزادی انتخاب مدرسه منبعث از حق آموزش را رعایت کنند و نیز متعهدند که بهداشت مردم منبعث از حق بر سلامت را به خطر نیندازند.

گفتار سوم: گونه‌شناسی تعهدات بین‌المللی

بررسی واژگان و اصطلاحات مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سایر اسناد حقوق بشری نشان می‌دهد که ماهیت کلی و عمومی تعهدات دولت‌ها در قالب دو نوع شیوه خاص تحلیل، طراحی و تبیین گردیده است که تفاسیر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز از آن حکایت دارد. شیوه نخست متمرکز بر تعهدات دو وجهی دولت‌ها و دربرگیرنده تعهدات به وسیله و نتیجه بوده و شیوه دوم بر تعهدات سه وجهی دولت‌ها، مشتمل بر تعهد بر احترام، رعایت و ایفاء تمرکز دارد. هر چند نباید از تقسیم بندی سومی تحت عنوان تعهدات عام، تعهدات خاص و تعهدات اصلی، ویژه ادبیات به کار رفته توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل غفلت ورزید.

مبحث اول: تحلیل تعهدات دو وجهی

براساس تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل «تعهد به رفتار یا وسیله» تعهدی است که در آن رکنی از دولت موظف است رفتار خاصی، اعم از فعل یا ترک فعل از خود بروز دهد که فی نفسه هدف تلقی می‌گردد. این تعهد در مقابل «تعهد به نتیجه» قرار دارد که دولت را ملزم می‌سازد از طریق جریانی رفتاری که باز می‌تواند در قالب فعل یا ترک فعل صورت گیرد به نتیجه خاصی دست یابد به گونه‌ای که شکل رفتار به صلاحدید و اختیار دولت وانهاده شده است. (ای ال سی، ۱۹۷۷) با این وجود تشخیص و تمایز هر یک از رفتارها و یا اقدامات دولت‌ها در جهت ایفاء تعهدات دولت‌ها بسیار پیچیده و مشکل می‌باشد زیرا برخی از این رفتارها و یا اقدامات ممکن است خود از هنجاری مستقل حکایت نموده و ناظر بر تعهدی مستقل باشد که به نتیجه‌ای خاص و مجزا بیانجامد.

الف) تعهد به وسیله

یکی از مهمترین طبقه بندی‌های مربوط به حقوق تعهدات، تمایز و تفکیکی است که میان دو گونه متفاوت از تعهد یعنی «تعهد به رفتار»^۱ یا «تعهد به وسیله»^۲ در مقابل «تعهد به نتیجه»^۳ توسط برخی از نویسندگان حقوق ابراز گردیده است. (نووارک، ۲۰۱۴) مراد از تعهد به وسیله آن گونه تعهدی است که متعهد یا مکلف، با به کارگیری وسایل، لوازم و امکانات خاص، مقید و عهده دار تدارک محتوای حق برای ذی حق می‌باشد.

^۱. Obligation of Conduct.

^۲. Obligation of Means.

^۳. Obligation of Result.

باید اذعان داشت که اصولاً هر فعل اخلاقی یا حقوقی مستلزم استطاعت و مقید به قید قدرت و توانائی انجام فاعل آن است به طوری که انسان ناتوان را نمی توان مکلف و متعهد به انجام عملی دانست. در این میان دولت نیز وضعیت مشابهی داشته و از این اصل پیروی می نماید. چرا که نوع تعهد دولت ها در حقیقت بازگشت به روابط اجتماعی انسانی دارد.

بی گمان هرگز نمی توان فردی را که توانائی انجام عملی را ندارد متعهد و مکلف بر انجام آن عمل دانست به عبارت دیگر هر بایستنی مسبوق به توانستن است.^۱ زیرا در فقدان توانستن، حکم به بایستن اخلاقاً توجیهی نخواهد داشت. از این روست که طبیعت «تکلیف مالایطاق» از اصول اخلاقی عقل مدار بوده و در تمدن اسلامی نیز ریشه عمیقی دارد. (قاری سید فاطمی، ۵۶:۱۴۰۲) بدینسان و براساس چنین تحلیلی تمامی تعهدات گونه ای «تعهد به رفتار و وسیله» خواهد بود. به طوری که افراد در حدود امکانات و توانائی های خویش مکلف به انجام تعهدات خود خواهند بود. با این وجود لازم است میان دو شق متفاوت از این نوع تعهد قائل به تفکیک شد یعنی تعهد به انجام عملی در صورت داشتن توان و تعهد به تدارک امکانات و به کارگیری توان برای فراهم کردن آن، که اولی تعهد به انجام عمل در صورت وجود توان و دومی تلاش برای توانستن است. به عبارت دیگر در شق اول، تعهد افراد موکول به وجود امکانات است در حالیکه در شق دوم از تعهد، افراد متعهدند تمام تلاش خود را برای فراهم نمودن امکانات لازم جهت انجام تعهد به کار ببندند.

ب) تعهد به نتیجه

در تعهد به نتیجه، متعهد مکلف به تدارک نتایج حق برای ذی حق بصورتی منجز و قطعی بوده و معطوف و مقید به وسیله و یا لوازم و امکانات خاصی نشده است این نوع از تعهد می تواند فوری و یا رو به تزايد باشد. (قاری سید فاطمی، ۵۴:۱۴۰۲) بنابراین مفهوم «تعهد به نتیجه» را نباید با مفهوم «حق های مطلق»^۲ در آمیخت چرا که در مفهوم «تعهد به نتیجه» سخن از مطلق بودن حق در قیاس با امکانات و لوازم موجود می رود یعنی بر خلاف «تعهد به وسیله» این حق ها بدون لحاظ و قید «امکانات موجود» مورد تعهد و تضمین قرار می گیرد. در صورتیکه مفهوم «حق های مطلق» ناظر بر عدم تقید و عدم محدودیت خاصی در مقایسه با سایر حق ها است. (قاری سید فاطمی، ۵۵:۱۴۰۲) با این وجود به نظر می رسد مفهوم «تعهد به نتیجه» در قیاس با مفهوم «تعهد به وسیله» از نوعی اطلاق و عدم تقید نسبت به قید وسایل، لوازم و امکانات خاص برخوردار می باشد.

هرچند به نظر می رسد کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به خاطر ماهیت غیرمتعین و مشروط نتایج مورد انتظار از تعهدات دولتها، به تمرکز بر تعهدات به رفتار گرایش دارد. (جی سی، ۱۹۸۹) با این وجود نباید از نظر دور داشت که هدف تعهد دولت ها در بند اول از ماده ۲ میثاق به روشنی بیان شده است که همان تحقق کامل حق های شناخته شده در میثاق می باشد. به طوری که تبعیت یک دولت از تعهدات خویش را در نهایت می توان از طریق طراحی و تبیین فرآیند صحیح و درست اقدامات دولت در جهت دستیابی به اهداف تعیین شده و در نتیجه تحقق کامل حق ها، مورد سنجش و ارزیابی قرار داد.

بررسی های دقیق تر نشان می دهد که تفاوت میان دو نوع تعهد بسیار باریک و ظریف است زیرا در موارد تعهد به رفتار یا وسیله، اغلب هدفی وجود دارد که رفتار مورد نظر برای حصول بدان صورت گرفته است. همچنین، تعهدات به نتیجه ناگزیر مستلزم جریان خاصی از اقدام می باشد. (آی ال سی، ۱۹۷۷) همچنان که کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بدان اذعان دارد (جی سی، ۱۹۹۰). شاید بهتر باشد که بند اول ماده دو میثاق به نحوی تبیین شود که دربرگیرنده آمیزه ای از هر دو نوع تعهد باشد.

۱. "must" implies "can"

۲. Absolute Rights.

ج) کاربرد و قلمرو تعهدات دو وجهی

در بادی امر، اینگونه به نظر می‌رسد که «تعهد به وسیله» برای بسیاری از حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بویژه برای سطوحی فراتر از حداقل‌های مذکور در این حقوق قابل طرح باشد. (میتوسی، ۱۵:۱۳۸۷) که طبیعتاً دولت‌ها برای تدارک چنین حق‌هایی براساس توانائی‌ها و امکانات خود اقدام خواهند نمود. در صورتی که ممکن است حق‌های مدنی و سیاسی برخلاف حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به آسانی از طرف خود دولت‌ها و با مداخله آنها به مخاطره افتد. بنابراین عبارت «درحد امکانات موجود» که در حق‌های اقتصادی، اجتماعی معنی دار می‌نماید در دسته اخیر از حق‌ها کمتر قابل طرح خواهد بود. (اچ آر ای، ۱۱) بدینسان متعهد فرض نمودن دولت به صورت فوری و نه مقید به امکانات خاص، در حوزه حق‌های مدنی و سیاسی، معقول و پذیرفتنی است. در صورتیکه متعهد دانستن آنها در حوزه حق‌های اقتصادی و اجتماعی، بدون توجه به تدارک لوازم و امکانات، امری غیرعملی و حتی غیرمعقول به نظر می‌رسد.

مبحث دوم: تحلیل تعهدات سه وجهی

دومین شیوه تحلیل تعهدات بین‌المللی دولتها، نگرستن به مفهوم تعهدات، در قالب تعهدات سه وجهی است که برخی از صاحب‌نظران از آن استفاده نموده‌اند. براساس این گونه‌شناسی در باب تعهدات بین‌المللی، تمامی حق‌های بشری متضمن سه شکل از تعهد برای دولت هاست، این شیوه تحلیل دارای سه وجه می‌باشد که عبارتند از تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفاء. در «تعهد به احترام»^۱، دولت مکلف به اجتناب و خودداری از مداخله در آزادی شهروندان است. در «تعهد به حمایت»^۲ دولت موظف به بازداشتن دیگران از مداخله بوده و در «تعهد به ایفاء»^۳، دولت ملزم به انجام اقدامات خاص و ضروری در تأمین محتوای حق می‌باشد. (الستون، ۴۹:۱۹۹۰)

الف) تعهد به احترام

تعهد به احترام که در حقیقت بعد سلبی تعهدات حقوق بشری می‌باشد، به منزله تعهد به خودداری از انجام اعمالی خاص و یا ترک فعل هاست. ولی این افعال سلبی یا ترک فعل‌ها، چه بسا متضمن اعمال ایجابی نیز می‌گردد. تعهد به احترام، دولت را ملزم می‌سازد از مداخله در آزادی‌های افراد اجتناب نماید. بدیهی است در پاره‌ای از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به لحاظ اوضاع و احوال خاصی، دولت مکلف به اجتناب یا خوشتنداری است. این موضوع با وضوح بیشتری در مورد حق‌های با اعمال و کاربرد فوری قابل مشاهده است. (بارگنتا، ۷۲:۱۹۸۱) به نظر می‌رسد، همین مطلب را می‌توان در مورد حق‌هایی که به آزادی یا رهائی فرد اشاره دارد نیز تعمیم داد. در اینگونه تعهدات دولت فقط موظف است از ایجاد موانع بر سر راه تحقق و اعمال حق خودداری ورزد. همچنین دولت، به طور اعم ملزم خواهد بود از اقداماتی که باعث محروم شدن افراد از حق مزبور می‌شود احتراز جوید. (کریون، میتوسی، ۱۵۴:۱۴۰۰) بنابراین به نظر می‌رسد که حتی در مواردی که دولت‌ها ملزم به اعمال اقدامات مثبت برای تحقق حق‌های بشری هستند، باید به نحوی عمل نمایند که آزادی عمل فرد حفظ گردد. در نتیجه هر چند دستیابی به حقوق اقتصادی و اجتماعی مستلزم مداخله قابل توجه دولت است، ولی این قبیل از اقدامات، باید در نهایت، آزادی و کرامت افراد را حفظ نماید. شایان توجه است، برخی از مواردی که در راستای تعهد به احترام و جزو ابعاد سلبی قلمداد می‌گردد، ممکن است، متضمن هزینه‌هایی برای دولت باشد و حتی از این جهت، به عنوان مصادیقی از تعهد به ایفاء نیز قلمداد گردد.

^۱. Obligation to respect.

^۲. Obligation to protect.

^۳. Obligation to Fulfill.

ب) تعهد به حمایت

این بعد از تعهد، متضمن اجتناب از نقض حق و بازداشتن دیگران از نقض آن می باشد. تعهد به حمایت در حقیقت ناظر بر تعهدات دولت ها به حفظ و حمایت از حق ها در برابر تعرض و نقض آنها توسط دولت یا اشخاص خصوصی است. همچنین تعهد به حمایت از حقوق فرد در برابر تجاوز طرف های ثالث، مرز میان حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. چنین تعهدی گویای «کارآئی افقی»^۱ حق هاست که در رویه های حقوق بین الملل از شناسائی گسترده ای برخوردار می باشد. (باستیل، ۱۹۸۵: ۲۴۵) از آنجائیکه موضوع «کارآئی افقی» اهمیتی خاص در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته و تدوین کنندگان آن به تضمین حقوق بنیادین همه افراد پای بند بوده اند دولت ها را متعهد به حمایت از حقوق افراد، در برابر نقض و تجاوز از سوی اشخاص ثالث نیز می دانند. از طرف دیگر در مواردی که دولت قادر به تامین حق های مزبور نباشد، مکلف است تعاملات خصوصی را طراحی، تنظیم و قانونمند سازد، تا اطمینان یابد، دیگران خودسرانه و به خاطر منافع شخصی و گروهی از بهره مندی افراد از حق هایشان ممانعت به عمل نمی آورند.

ج) تعهد به ایفاء

تعهد به ایفاء، که جزو تعهدات ایجابی و مثبت به شمار می آید. متضمن تعهدات دولت، در قبال انجام اقدامات و اعمال اجرائی ضروری در تامین محتوای حق می باشد. لازم به ذکر است که تعهد به ایفاء، برای تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جنبه محوری داشته و مفهومی اساسی به شمار می آید. برخلاف میثاق حقوق مدنی و سیاسی که دولت ها را به تحقق فوری حقوق مزبور ملزم می سازد. دولتها خود را به تحقق فوری حق های مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملزم نمی سازند. در نتیجه عبارات ماده ۲ میثاق به نحوی تدوین یافته که منعکس کننده ظرافت ها و انعطاف پذیری های بیشتری در برآوردن حق های مندرج در میثاق باشد. (میتوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۷)

بدینسان، دولت ها ملزم گردیدند، گام های فوری، ملموس، سنجیده و هدفمندی را در جهت تحقق کامل حق ها بردارند. (میتوسی، ۱۳۸۷: ۲۰۲) در این راستا وضع قوانین و مقررات، که غالباً امری بسیار مطلوب و گاه گریزناپذیر می نماید، فی نفسه لازم به نظر می رسد و نیازمند اتخاذ تدابیر و تامین طرق جبرانی و قضائی در سطح ملی و نیز اعمال همکاریهای بین المللی است، کما اینکه تضمین حصول سطحی ضروری و حداقلی از حق های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اجتناب ناپذیر بوده و حتی در مواقع کمبود منابع، مسئولیت دولت ها را مرتفع نمی سازد.

بدینسان در یک نتیجه گیری از دو گونه متفاوت تعهدات، به نظر می رسد تعهدات به احترام و حمایت در زمره طبقه بندی تعهدات به رفتار یا تعهد به وسیله جای می گیرد و تعهد به ایفاء رابطه نزدیکی با تعهد به نتیجه دارد. همچنین این فرض وجود دارد که در حالی که حقوق مدنی و سیاسی مستلزم تسامحات و خویشتنداری دولت است، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مستلزم اقدامات و رفتارهای پیشدستانه دولت می باشد.

مبحث سوم: تحلیل تعهدات اختصاصی

آنچه تاکنون درخصوص تعهد دولت ها مطرح گردید، دو نوع مهم از طبقه بندی های مشهور در باب تعهدات دولت ها به شمار می رفت. با این وجود به منظور تکمیل بحث، به نوع دیگری از طبقه بندی مورد عمل در حوزه قلمرو تعهدات بین المللی اشاره می نمایم که در قالب تعهدات عام، خاص و اصلی قابل تقسیم و تفکیک می باشد که بخشی از آنها مربوط به تعهدات عام

^۱ . Horizontal efficiency.

بین‌المللی ناظر بر لزوم مساعدت و همکاری های بین‌المللی در جهت اقدام و شناسائی حق و بخش‌های دیگر درخصوص تعهدات دولتها در جهت تحقق کامل حق در موارد اختصاصی و کلیدی می‌باشد.

الف (تعهدات حقوقی عام

این تعهدات، متضمن تعهدات حقوقی عام و کلی در جهت تحقق کامل حقوق شناخته شده در میثاق می‌باشد. در حالی که میثاق، تحقق تدریجی حق های مزبور را پیش بینی و به مضیقه های ناشی از محدودیت منابع در اختیار دولتها اذعان دارد، تعهدات گوناگونی نیز بر عهده دولت های عضو وضع می نماید که اثری فوری دارند. بنا براین دولت های عضو تعهداتی فوری دارند به گونه ای که این حق بدون هیچ نوع تبعیضی اعمال شود. (تفسیر عمومی شماره ۱۳) از طرف دیگر تحقق تدریجی آنها، در گذر زمان نباید به نحوی تفسیر شود که تعهدات دولتهای عضو را از هر محتوای معناداری تهی سازد. بلکه، تحقق تدریجی به این معناست که کشورهای عضو تعهدی مشخص و مستمر دارند تا با تمام شتاب و کارائی ممکن، در جهت تحقق کامل آن حرکت نمایند.

ب) تعهدات حقوقی خاص

تعهدات حقوقی خاص، دربرگیرنده تعهداتی اختصاصی می باشد، به گونه ای که براساس تحلیل تعهدات سه وجهی، در تعهد به احترام، دولت مکلف به اجتناب از مداخله در آزادی انتخاب شهروندان، در تعهد به حمایت، موظف به بازداشتن دیگران از مداخله و در تعهد به ایفاء، ملزم به اتخاذ تدابیر و اقدامات ضروری در تامین حق خواهد بود.

بدین گونه دولت ها متعهد هستند، حق های گروههای خاص را از جمله با موارد ذیل محترم شمارند: اجتناب از ممانعت یا محدود کردن دسترسی همه اشخاص، از جمله زندانیان یا بازداشت شدگان، اقلیت ها، پناه جویان و مهاجران غیرقانونی به خدمات سلامتی پیشگیرانه، درمانی و تسکینی؛ خودداری از اجرای رویه های تبعیض آمیز به عنوان خط مشی دولت؛ و پرهیز از تحمیل رویه های تبعیض آمیز مربوط به وضعیت و نیازهای سلامتی زنان. بعلاوه شامل تعهد دولت به اجتناب از ممنوع ساختن یا محدود نمودن رویه ها و داروهای سنتی مراقبت پیشگیرانه و درمانی، خودداری از بازاری کردن داروهای غیرامن و به کارگیری معالجات اجباری پزشکی، مگر این که مبنایی استثنائی برای مداوای بیماری روانی یا پیشگیری و کنترل امراض مسری وجود داشته باشد. این موارد استثنائی تابع شرایط خاص و مضیق بوده و لازم است رویه ها و ضوابط قابل اعمال بین‌المللی از جمله اصول حمایت از اشخاص دارای بیماری روانی و بهبود مراقبت سلامتی روانی را رعایت کند. (قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۰: ۴۶/۱۱۹) که به نظر می‌رسد موارد حاضر جزو تعهدات به احترام تلقی گردد.

ج) تعهدات بین‌المللی

این تعهدات که دربرگیرنده تعهدات بین‌المللی درخصوص حق می باشد، متضمن تعهدات همه دولتهای عضو به اتخاذ تصمیمات، اقدامات و عملیات جمعی و انفرادی و از طریق مساعدت و همکاری‌های بین‌المللی، خاصه اقتصادی و فنی است که در جهت تحقق کامل حقوق شناخته شده در میثاق می باشد.

بنابراین دولت های عضو باید در همه مواقع، از وضع تحریم ها یا اقدامات مشابه محدود کننده عرضه داروها و تجهیزات پزشکی کافی به کشور دیگر خودداری ورزند. محدودیت ها بر این قبیل کالاها هرگز نباید به عنوان ابزار فشار سیاسی و اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. در این زمینه، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موضع خود را که در تفسیر عمومی شماره ۸ درباره رابطه میان تحریم های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان داشته، یادآور می شود. (آر آی

سی، ۱۸:۱۹۹۴) به این ترتیب در حالیکه فقط دولت ها عضو میثاق هستند و بنابراین در نهایت پاسخگوئی، به متابعت از آن ملزم می باشند. از این رو دولت های عضو باید محیطی فراهم آورند که ایفاء این مسئولیت ها را تسهیل نماید.

د) تعهدات محوری

تعهدات اصلی یا محوری، به منزله تعهداتی اساسی و کلیدی قلمداد می شود که دولت های عضو مکلفند، تا برآورده شدن حداقل سطوح اساسی برای هر یک از حق های موضوع میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله ارائه مراقبت های اولیه و اساسی در زمینه سلامت را تضمین نمایند. (یونگ، ۱۵۱:۲۰۰۸) در این راستا اعلامیه «آلماتا»^۱ به همراه اسناد دیگری نظیر برنامه عمل کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه رهنمودهایی ضروری در جهت تعهدات ناشی از میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موضوع عرضه می دارد (کریون، میتوسی، ۵۶۴:۱۴۰۰) بدینسان مشخص می گردد که حق های بشری و بویژه حق های مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق - ادعاهایی هستند که از یک طرف دولت ها را در برابر افراد انسانی متعهد می سازند و از طرف دیگر افراد را در برابر دولت ها و سازمانهای مسئول و ناظر بر امور مربوط بدان صاحب حق می نمایند.

نتیجه

نتایج و یافته های حاصل از این پژوهش نشان می دهد، بر اساس نظریات فلاسفه حقوق، واژه حق می تواند بیانگر چهارگونه رابطه حقوقی باشد به عبارت دیگر واژه حق می تواند در چهار قلمرو مختلف حقوق یعنی «حق - ادعا»، «حق - آزادی»، «حق - قدرت» و «حق - مصونیت» مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، تفکیک مفهومی و محتوایی تعهدات حقوق بشر به طور کلی از دو نوع گونه شناسی مهم و برجسته تبعیت می نماید. نخست تفکیک تعهدات بین المللی در قالب تعهدات دو وجهی، به اعتبار تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه و دوم اینکه تفکیک تعهدات در قالب تعهدات سه وجهی، به اعتبار تعهد به احترام، تعهد به رعایت و تعهد به ایفاء می باشد. با این وجود، نباید از تقسیم بندی سومی تحت عنوان تعهدات عام، تعهدات خاص و تعهدات بین المللی و تعهدات محوری، و بویژه ادبیات به کار رفته توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل غافل ماند.

از یک سو ماهیت پیمان ها و معاهدات حقوق بشری، بر خلاف معاهدات متعارف حقوق بین المللی، طبیعتی حمایت گرایانه داشته و صرفاً مبادله توافقات متقابل منافع قلمداد نمی شود. به گونه ای که این ماهیت حمایتی، چهارچوب تحلیلی متفاوتی را برای اینگونه معاهدات، در جهت تضمین حقوق و آزادیهای بنیادین بشری می طلبد. از سوی دیگر، تلازم میان نظم حقوقی و تعهدات، در تحلیل حق های بشری، این نتیجه منطقی را به دنبال خواهد داشت که حق و تعهد دو روی یک سکه ارزیابی می شود. به طوری که اگر به حق های مربوطه از منظر دارندگان این حقوق نگریسته شود، مفهومی حق گونه خواهند یافت و چنانچه از منظر متعهد و مکلف به تامین و تضمین آنها نظر شود، ماهیتی تکلیف گونه و الزام آور به خود می گیرند.

بنابراین حق های بشری و بویژه حق های مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق - ادعاهایی هستند که از یک طرف دولت ها را در برابر افراد انسانی متعهد می سازند و از طرف دیگر افراد را در برابر دولت ها و سازمانهای مسئول و ناظر بر امور مربوط بدان صاحب حق می نمایند. بدینسان نتیجه می شود که به رغم ادعاهای فرازمانی و فرامکانی قواعد حقوق بشر، بخش قابل توجهی از هنجارهای حقوق بشری جنبه ای وضعی داشته نظم حقوقی مرتبط با آن را شکل می دهند و در حقیقت محصول توافقات بین المللی کشورها می باشد و هرگز نمی توان از نقش و تاثیر این توافقات در وضع و تدوین نرم ها و استانداردهای بین المللی و به تبع آن نقش آنها بر نظم عمومی بین المللی غافل بود.

^۱ Alma-Ata.

منابع

- دیوان داوری دعاوی ایران-لاهی (مترجم). (۱۳۹۴). فرهنگ اصطلاحات حقوقی. تهران: گنج دانش
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۴). ترمینولوژی حقوقی. تهران: گنج دانش
- راسخ، محمد (۱۳۸۱). حق و مصلحت، مقالاتی در فلسفه حقوق. فلسفه حق و فلسفه ارزش. طرح نو، ۱۸۶-۱۸۴.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۴۰۲). حقوق بشر در جهان معاصر. دفتر یکم، تهران نگاه معاصر.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۴۰۲). معاهدات حقوق بشری: فضایی متفاوت، مجله حقوق، نشریه دفتر خدمات حقوق بین‌المللی، شماره ۲۸، ۴۴.
- کریون، میتوسی آر. (۱۳۸۷). چشم اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی. اجتماعی، فرهنگی، ترجمه محمد حبیبی مجنده. قم: دانشگاه مفید.
- ولمن، کارل (۱۳۸۱). مفهوم حق (۲): سهم هوفلد. ترجمه محمد راسخ، تهران: طرح نو
- هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۷). تقریرات درس حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. دوره دکتری، حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

References

- Ames J. Bushtit. (1985). Theory and Practice of the European Convention on Human Rights, by P. Van Dijk and G.J.F. Van Hoof, 9 Md. J. Int'l L. 245.
- Bix, B. (1994).., Natural Law Theory in ed, Patterson. D, A Companion to Philosophy of Law and Legal Theory, Blackwell Publisher, Oxford. pp. 223-241; Freeman. M.D.A ed. Lied's Introduction to Jurisprudence, Sixth ed, Sweet and Maxwell, London 1999, pp79-129.
- Buergenthal T. (1981). To Respect and Ensure: State Obligations and Permissible Derogations " in Honking L.(ed)., The International Bill of Rights, 72, at 77.¹.
- Craven, M. (2000). Legal differentiation and the concept of the human rights treaty in international law. *European Journal of International Law*, 11(3), 489-519.
- Human Rights Committee. (1994). General comment No. 24: Issues relating to reservations made upon ratification or accession to the Covenant or the Optional Protocols thereto, or in relation to declarations under article 41 of the Covenant. UN Doc. CCPR/C/21/Rev, 1.
- Craven, Mitosi. R., (2008), Perspectives on the Development of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, translated by Mohammad Habibi Mojndeh. Qom: Mofid University. (in Persian)
- Dictionary of Legal Terms, (2015), Translated by the International Court of Arbitration, The Hague-Iran, Tehran, Ganj Danesh. (in Persian)
- Economic, Social, and Cultural Rights, (1995). The first edition of this textbook was published in General Comment No 1, UN doc.
- Edie. A (1987), Economic, Social and Cultural Rights as Human Rights, Chapter 2 in this volume. See also As Bjorn aide's final report as a special rapporteur on the right to food, Edie. A, report on the right to Adequate Food as a Human Right, UN doc. E/CN.4/Sub.2/1987/23,7.

Ghari S. Fatemi, S. M. (2023). Human Rights in the Contemporary World, Volume one of the book, Tehran, Negah Moaser. (in Persian)

Ghari S. Fatemi, S. M. (2023). Human Rights Treaties Different Atmosphere . International Law Review, 28, 44. (in Persian)

Hashemi, Seyed Mohammad, (2008), Human Rights and Fundamental Freedoms Course Notes, PhD Courses, Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University. (in Persian)

Jafari Langroodi, Mohammad Jafar, (2025), Legal Terminology, Tehran: Ganj Danesh. (in Persian)

NORDA, (2005). Handbook in Human Right Assessment, state obligation Awareness , Norwegian Agency for Development Cooperation , p. II.

Nowak M, (1993). UN Covenant on Civil and Political Rights, CCPR Commentary , N .p. Engel Publisher, 1993, pp.53-54.

Rasekh, Mohammad, (2002), Right and Expediency, Essays in the Philosophy of Law, Philosophy of Right and Philosophy of Value, Tarhe now, 184-186. (in Persian)

Report of the International Conference on Population and Development , (1994). Cairo , 5 -13 September (United Nations Publication , Sales No. E.95.XIII.18) , chap . I , resolution 1 , annex , chaps . VII and VIII.

Report of the International Law Commission(1977). Ibid , 13 . para . 8 .

Tomasevski K, Development Aid and Human Rights (1989), 126; also See Rat tray, E/C.12/1990.SR.20, at 11, para. 48.

Waldron, Introduction, Theories of Rights, Oxford University press, 1995, p8.

Wellman, Carl. (2002), the concept of right (Volume ۲): Hopfield's contribution, translated by Mohammad Rasekh. Essays in the Philosophy of Law, Philosophy of Right and Philosophy of Value, Tarhe now, Tehran. (in Persian)

Hohfeld, W. N. (2021). Fundamental legal conceptions as applied in judicial reasoning: and other legal essays. Yale University Press, New Haven. P7.